

بخشی از گزارش سازمان CIA را در مورد خصوصیات اشرف پهلوی مرور می‌کنیم: اشرف خواهر دوقلوی شاه یکی از جاه‌طلب‌ترین و مهم‌ترین حامیان شاه و مهم‌ترین یاران او در طول سالهای مدید سلطنتش بوده است... این خصوصیات، به خصوص در دوره‌ای که ضعف شاه مهم‌ترین مشخصه وی بود، نمایان می‌شد. به همین علت سفارت آمریکا در سال ۱۹۵۱ گفته بود: که اشرف عزم راسخ بیرحمانه پدرش را دارد.^۱

در میان اسناد این بخش نامه‌ای است که اشرف پهلوی به سپهبد فضل‌الله‌زاهدی درباره سازمان خدمات اجتماعی نوشته است. وی در این نامه برای تأمین هزینه‌های سازمان شاهنشاهی تقاضای پورسانت‌تاری از صادرات نفت دارد:

اصولاً سازمان شاهنشاهی را از این جنبه دولتی خارج [کنید] و یک جنبه ملی به خود بگیرید. - عجالتاً میلیون خیلی مورد نظرند - ... من شخصاً با مقامات مسئول صحبت کرده‌ام ولی اگر شخص جناب عالی به آقای وزیر دارایی و دکتر ارضاء فلاح و رئیس کنسرسیوم دستور بدهید که به این قسمت علاقه‌مندید البته زودتر پیشرفت خواهد داشت. غرض من این است که پورسانت‌تاری از صادرات نفتی ایران برای سازمان در نظر گرفته شود.^۲

بدیهی است گسترش و غیردولتی کردن یک سازمان دولتی به بهانه ملی جلوه دادن آن و اختصاص پورسانت‌تاری از صادرات نفتی برای اداره آن به چه معناست و اشرف پهلوی با تقاضای آن تا چه حد نخست‌وزیر کودتا را تحمیق می‌کند.

اشرف پهلوی چندین بار به عنوان نماینده محمدرضا پهلوی به خارج از کشور مسافرت کرد. سفرهای وی به شوروی، چین، هند، پاکستان، کره شمالی و کشورهای آفریقایی - برای کمک‌رساندن به گرسنگان و ایتام قاره سیاه - همواره هزینه‌های گزافی در برداشته است. این سفرها عمدتاً بعد از کودتای ۲۸ مرداد و گسترش اختیارات محمدرضا پهلوی صورت پذیرفته است. در سندی دیگر از این بخش با شمه‌ای از مخارج مسافرت‌های وی آشنا می‌شویم:

والاحضرت شاهدخت پهلوی می‌فرمایند برای مخارج مسافرت و شرکت معظم‌لها در کمیته مشورتی کنفرانس بین‌المللی سال زن که در ماه مارس در نیویورک تشکیل

۱. از ظهور تا سقوط. جلد اول. صص ۱۰۷-۱۰۸.

۲. سند شماره ۱۷ از مجموعه اسناد اشرف پهلوی.

می‌گردد، و همچنین کنفرانس بین‌المللی سال زن که در ماه ژوئن در مکزیک برگزار می‌شود، مبلغ پانصد هزار دلار مورد احتیاج می‌باشد.^۱

البته به طوری که مشاهده خواهیم کرد با پرداخت این مبلغ به وی موافقت می‌شود. اما آنچه گفتنی است اینکه گاه دیده می‌شود این ریخت‌وپاشها و هزینه‌های هنگفتی که برای خود تدارک می‌بیند حتی در حوصله سخاوتمند محمدرضا پهلوی نیز نمی‌گنجد و گاهی بلندپروازیهای آشکار و افزون‌طلبانه اشرف پهلوی اعتراض وی را برمی‌انگیزد: «... شاه به من دستور داد که به والا حضرت اشرف بنویسم و از او بپرسم به چه علت دو میلیون دلار از پول ایران را به کمیسیون حقوق زنان سازمان ملل متحد تعهد کرده است. بپرسید، آیا فکر می‌کند که او این مملکت را اداره می‌کند؟»^۲

شبکه اشرف پهلوی

اشرف پهلوی در طی زندگی سیاسی، اجتماعی اش همواره افراد مختلفی را به سوی خود جلب می‌کرد و برخی از آنان را بر مصدر مشاغل و مناصب حساس می‌گمارد و بدیهی بود که آنان نیز، به پاس آن بذل و بخششها، خود را ملزم به همکاری با او بدانند و همواره وامدار او باقی بمانند. امیراسدالله علم از زمره کسانی است که مدارج ابتدایی رشد و ترقی را با مساعدت اشرف طی کرد و بعدها مورد عنایت خاص محمدرضا پهلوی قرار گرفت:

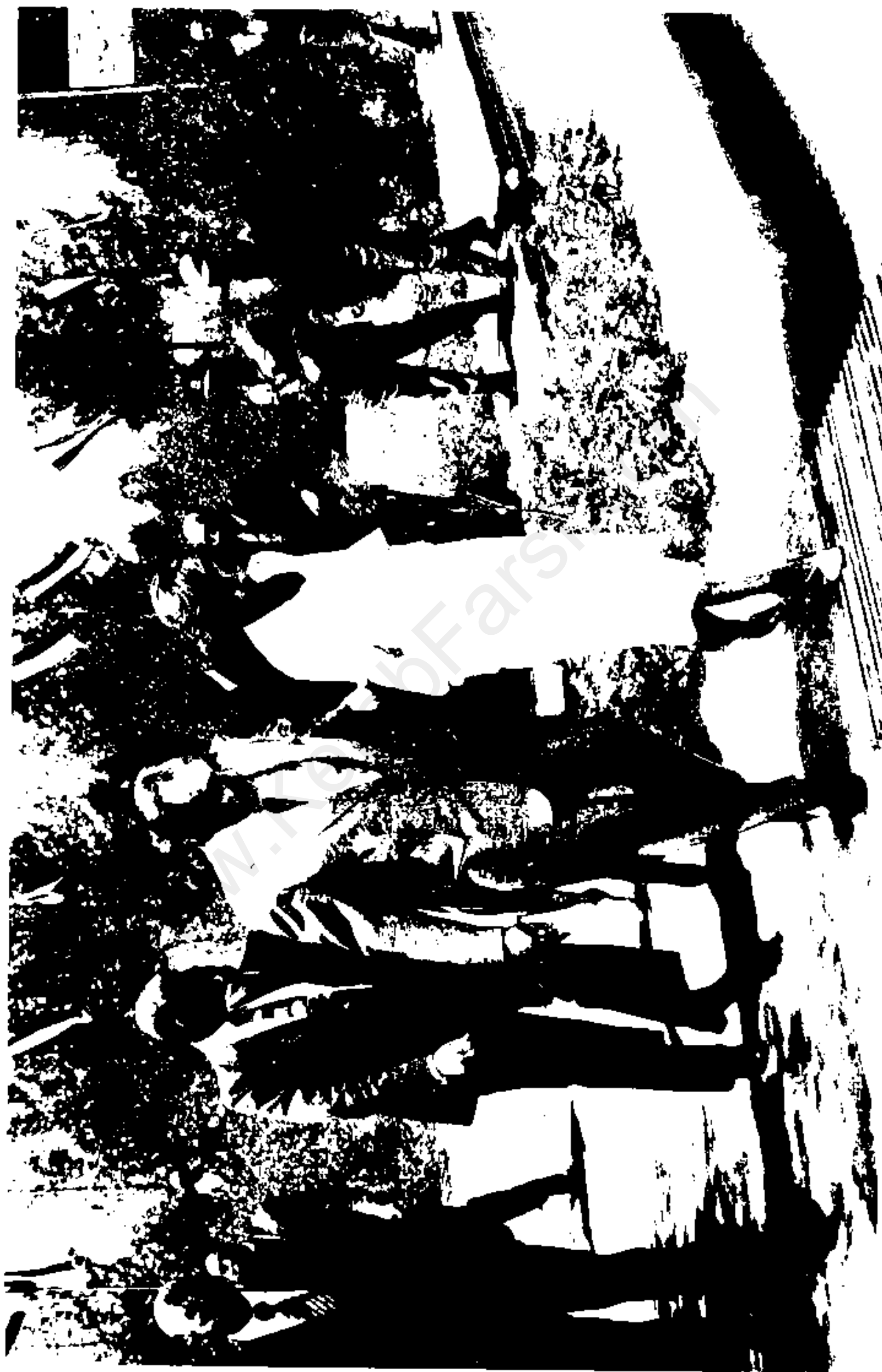
اشرف پهلوی با اظهار لطف نسبت به بسیاری از افراد جوان، از جمله اسدالله علم در سال ۱۹۴۳ شهرت بسیاری برای خود دست‌وپا کرد و بسیاری از آنان نیز به مقامهای بسیار مهمی رسیدند. به طور مثال پرویز راجی، دستیار نخست‌وزیر هویدا است. به این ترتیب اشرف کسانی را در دولت به کار گماشته که می‌توانند در صورت لزوم اطلاعات و نفوذ مورد نیاز را در اختیار وی قرار دهند.^۳

تشکیل شبکه‌ای از افراد در میان دولتمردان و سیاستمداران و ایجاد رابطه با بسیاری از شرکتهای خصوصی و مراکز تجاری و همچنین گماردن عناصری در درون دربار برای کسب اطلاعات به مثابه تمهیداتی ضروری و ابزارهایی اساسی برای تحکیم قدرت

۲. اسدالله علم. جلد دوم. ص ۶۳۸.

۱. سند شماره ۲۱ از مجموعه اسناد اشرف پهلوی.

۳. از ظهور تا سقوط. جلد اول. ص ۱۰۸.



اشرف پهلوی، اسدالله رشیدیان، غلامحسین جهانشاهی، اکبرزاد (استاددار اصفهان) [۱۳۶۹-۱-پ]

سیاسی - اقتصادی و بقای روزافزون وی در عرصه‌های گوناگون اجتماعی بوده است: جعفر شریف‌امامی، رئیس مجلس سنا و نخست‌وزیر اسبق، و طاهر ضیایی سناتور با نفوذ و رئیس اطاق بازرگانی و صنایع و معادن نیز گویا در چند زمینه تجاری با اشرف شریک بوده و بدشان نمی‌آید که با حمایت از او منافع خود را حفظ کنند. ژنرال نعمت‌الله نصیری، رئیس ساواک، به اشرف بسیار نزدیک است که ناشی از حمایت آنها از شاه در زمان مصدق می‌باشد. کریم پاشا بهادری، رئیس دفتر ویژه ملکه، سرپرستی عده‌ای از درباریان را برعهده دارد که توسط اشرف و هویدا به اینجا فرستاده شده‌اند تا به جای کمک به او، مراقب جریان اخبار و اطلاعات به سوی او نیز باشند. مهمترین دوستان وی عبارت‌اند از خانواده رشیدیان که در زمینه بانکداری و عمران زمین سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی کرده و بیش از ۴۰ سال است که از نفوذ بسیاری برخوردار می‌باشند. علی رضایی صنعتگر ثروتمندی است که از اشرف حمایت خواهد کرد چون او از رضایی هنگامی که متهم به دریافت رشوه در معاملات ملکی خوزستان شده حراست کرده بود.^۱

بدیهی است افراد بسیار دیگری نیز با اشرف پهلوی رابطه‌های سودجویانه و آزمندانه‌ای داشته‌اند که منظور، پرداختن به همه آنها نیست. از میان افراد شبکه او خانواده رشیدیان و خاصه اسدالله رشیدیان - به نسبت برادران دیگرش سیف‌الله و قدرت‌الله از اهمیت مخصوصی برخوردار است. همان‌گونه که شهرت دارد پدر اسدالله رشیدیان، یعنی حبیب‌الله رشیدیان، ظاهراً در شبکه‌چی سفارتخانه انگلیس بود اما در مقطعی مورد غضب رضا پهلوی قرار گرفت و زندانی شد. پس از شهریور ۱۳۲۰ این خانواده مورد عنایت و لطف دربار قرار گرفت و با اینکه اعضای آن بیشتر، فعالیت‌های غیر دولتی و تجاری داشتند گسترده‌ترین رابطه را با دربار، و به ویژه اشرف پهلوی، حفظ کردند. چنانچه در اسناد حاضر نیز مشهود است، رابطه اشرف پهلوی با اسدالله رشیدیان به عنوان یکی از اصلی‌ترین اعضای شبکه وی مطرح می‌باشد. وی در موارد بسیاری از جمله کودتای ۲۸ مرداد با اشرف پهلوی همکاری داشته است، که در جای خود به آن خواهیم پرداخت.

۱. همان، صص ۱۹۶-۱۹۷.

اشرف پهلوی و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

اشرف پهلوی و شبکه ویژه او به عنوان یکی از محورهای، به منظور اجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به شمار می‌روند. بدیهی است عوامل بسیاری در پیروزی کودتا نقش داشته‌اند که موضوع این بحث نیست. مهم‌ترین مأموریت اشرف پهلوی هماهنگی بخشی از نیروهای کودتا به کمک اسدالله رشیدیان^۱ و رسانیدن یک نامه از سوی مقامات انگلیسی - امریکایی به محمدرضا پهلوی بوده است - که متأسفانه مفاد آن نامه هنوز افشا نشده است - و البته این در حالی است که وی قبلاً به وسیله دکتر مصدق به خارج از کشور تبعید شده بود و ورود او به ایران منع قانونی داشت. وی در مورد تبعیدش به وسیله دکتر مصدق می‌گوید: «مصدق درست یک ساعت پس از انتصاب به نخست‌وزیری در ۱۳۳۰/۲/۹ پیامی برای من فرستاد که در عرض ۲۴ ساعت ایران را ترک کنم.»^۲ وی که همراه دیگر اعضای خانواده سلطنتی به انگیزش دکتر مصدق و دستور محمدرضا پهلوی به خارج از کشور تبعید شده بود در تابستان سال ۱۳۳۲ به منظور اجرای مأموریتی برای کودتا به بهانه رسیدگی به مسائل مالی و شخصی برای مدت ده روز وارد ایران شد. خود او در این باره چنین می‌نویسد:

خدمتکاری خبر آورد که ملکه ثریا بعد از ظهر به باغچه پشت خانه‌ای که محل اقامت من در سعدآباد بود خواهد آمد. از پنجره بیرون را می‌پاییدم به محض اینکه زن برادرم را دیدم به خارج رفتم و به سرعت پاکتی را که با خود آورده بودم به او دادم و بی‌درنگ به درون خانه بازگشتم. - هنوز هم نمی‌توانم این پاکت سرتوشت‌ساز را افشا کنم - اقامت من در ایران نه روز دیگر به طول انجامید، ظاهراً برای اینکه به مسائل مالی و شخصی خود رسیدگی کنم.^۳

این مأموریت در حالی انجام می‌پذیرد که دربار سلطنتی رسماً اعلام می‌کند مسافرت او بدون کسب اجازه و توافق محمدرضا پهلوی بوده و وی به زودی کشور را ترک خواهد کرد.^۴

اگرچه کودتا به همکاری اشرف و شبکه وی و بسیاری عوامل دیگر موفق به سرنگونی دولت دکتر مصدق شد اما وی تا ۸ ماه بعد همچنان در تبعید ماند حسین علاء

۱. حسین فردوست. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی. جلد اول: خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست.

تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۰. ص ۱۷۲. ۲. اشرف پهلوی. همان. ص ۲۱۷.

۳. همان. ص ۲۵۳. ۴. همان. صص ۲۵۲-۲۵۳.



از راست: محمدعلی مسعودی، تیمور بهشتیار، اسدالله رشیدیان در باشگاه شهبان جعفری [۱-۳۵-۱-پ]

پنج روز بعد از پیروزی کودتا در دوم شهریور ۱۳۳۲ به محمدرضا پهلوی می نویسد:
شنیده شده که علیاحضرت ملکه مادر [تاج الملوک] و الاحضرت اشرف قصد دارند
به زودی به ایران مراجعت نمایند، چون حضرات از رویه قدیم خود دست بردار
[نیستند] و یقیناً باز آن بساط مداخله در امور سیاسی و جمع کردن دور خود عناصر
بدنام را - از قبیل شاهنده، بیوک صابری، نصرتیان، جمال امامی، پیراسته و غیره -
تجدید خواهند کرد صلاح اعلیحضرت در این است که اجازه نفرمایند به ایران
معاودت نمایند و اگر آمدند در تهران نباشند.^۱

محمدرضا پهلوی نیز با شناختی که از خانواده خود داشت بر این واقعیت واقف بود
که حتی فضای سیاه و مسموم بعد از کودتا از پذیرش خانواده اش، و خاصه اشرف
پهلوی، معذور است در نتیجه به خواهرش توصیه می کند که تا افتادن آنها از آسیاب و
فرونشستن التهاب کودتا، از مراجعت به ایران خودداری ورزد:

مراجعت آن خواهر عزیز در چنین موقعی مخصوصاً با شروع شدن انتخابات هیچ
مصلحت نیست. ممکن است بهانه به عده ای ماجراجو داده شود که شما را ناراحت
کنند. اگر حالا بیایید مسلماً به شما خوش نخواهد گذشت. دیرتر بیایید؛ برای شما
چه فرق می کند و چه تأثیری دارد؟^۲

اصرار محمدرضا پهلوی برای ماندن خواهرش در تبعید و تهدید باج خواهانه اشرف
پهلوی برای بازگشت به ایران در بعد از کودتای ۲۸ مرداد مفاد نامه ای است از اشرف
پهلوی به اسدالله علم:

آقای علم، الان که دیگر علیاحضرت مادرم و خواهرم به تهران برمی گردند دیگر کسی
در اروپا جز من نمی ماند و خوب می توانید که از سهمیه دربار ۵ هزار دلار برای من
بفرستید. من که نمی خواهم در اروپا بمانم ولی اگر بنا باشد اینجا بمانم وضعیت
زندگی مرا مرتب کنید و الاً به هر قیمتی هست به تهران بروم گشت. من گناهی
نکردم که باید این همه ناراحتی و زجر بکشم. مراتب را به عرض همایون برسانید و
معروض دارید که در غیر این صورت مجبورم به تهران برگردم. در هر حال من با شما
اتمام حجت می کنم و خواهشمندم که به عرض مبارک هم برسانید که اگر در ماه

۱. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۴-۱/۳۸۷۳.

۲. سند شماره ۱۶ از مجموعه اسناد اشرف پهلوی.

مرتب ۵ هزار دلار برای من فرستاده نشود به تهران برخواهم گشت، چون چاره دیگری ندارم.^۱

در مقایسه‌ای میان کتاب خاطرات اشرف پهلوی و اسناد این بخش واقعیتی دیگر چهره می‌نماید: اشرف پهلوی در این کتاب سعی دارد از خود شخصیتی دیگرگونه ارائه دهد که سالهای تبعید را با پسر بیمار خود در عین مناعت طبع سپری می‌کند و دست نیاز به سوی کسان دراز نمی‌کند و حتی برای رساندن نامه سفارشی کودتا، هر خدمتی که می‌کند بی‌مزد است و منت و چشم‌انعام از مقامات انگلیسی و امریکایی ندارد و حتی در مقابل چک سفید اعطایی آنها بر می‌آشوبد و آن را نمی‌پذیرد.^۲ اما آن عز و وقار در اسناد موجود رنگ می‌بازد و او هر آینه به تهدید و تحیب و به الحاح و التجاء، تمنای وجه می‌کند.

اشرف پهلوی و قمار

چنانکه گفته شد و در اسناد حاضر مشهود است، اشرف پهلوی به کرات ادعا می‌کند که در مضیقه است و همواره مبالغی هنگفت تقاضا می‌کند. ظاهراً در روزگار تبعید با بیماری پسرش مواجه شده و مبالغی قرض گرفته است. اما اشرف پهلوی در این مدت شدیداً به قمار معتاد شده بود و این مطلبی است که خود وی و دوستان نزدیکش مانند پرویز راجی به آن معترفند. اشرف پهلوی در این مورد می‌گوید: «در همین اوقات - تبعید در پاریس - بسیاری از شبهای خود را در کازینوها می‌گذراندم ... پولی که داشتم سریعاً از دست رفت و ضربه وارده از این راه کافی بود که مرا مدت نسبتاً درازی از میزهای قمارخانه‌ها دور نگهدارد.»^۳

پرویز راجی در خصوص اعتیاد اشرف به قمار، هنگامی که مسئله انتشار کتابی در خصوص شخصیت اشرف مطرح می‌شود، می‌گوید: «عقیده دارم که موقعیت کنونی ایران برای انتشار چنین کتابی اصلاً مناسب نیست، به خصوص این که در جهت هر چه دقیقتر بودن محتوای کتاب، بایستی به مسائلی از قبیل عشق فراوان و الاحضرت به قمار و روش زندگی بی‌قید او حتماً اشاره شود.»^۴

۱. سند شماره ۱۵ از مجموعه اسناد اشرف پهلوی.

۲. اشرف پهلوی. همان. صص ۲۴۴-۲۴۷.

۳. اشرف پهلوی. همان. ص ۲۳۰.

۴. پرویز راجی. خدمتگزار تخت طاووس. ترجمه ج.ا. مهران. جلد اول. تهران، انتشارات اطلاعات،

۱۳۶۴. صص ۲۶۰ و ۲۷۹.

امیراسدالله علم، یکی دیگر از دوستان اشرف پهلوی، نیز در خاطراتش به این موضوع صریحاً اشاره کرده است:

شرفیابی ... گزارش دادم که تیمسارم ... خواستار دیدار من شده است ... شاه گفت اشکالی ندارد، او را بپذیر. آنگاه علت اخراج او را پرسیدم شاه توضیح داد: مردکۀ احمق در جلسه‌ای با وزیر دارایی پیشنهاد کرد که سهمیه پزشکی افسران ارتش را که به خارج می‌فرستیم برای مداوای خاص افزایش دهیم. به قول او مخارج این کار اگر با هزینه‌های فسق و فجور والاحضرت اشرف مقایسه شود مثل قطره‌ای در اقیانوس است. مجبور شدم که به او یادآوری کنم که شخصاً ۳۰/۰۰۰ دلار بابت قروض قماربازی او پرداخته‌ام.^۱

قاچاق عتیقه

اشرف پهلوی با همکاری پسرش شهرام پهلوی نیا در زمینه قاچاق عتیقه نیز فعالیت می‌کرد. قاچاق عتیقه از موارد اسفباری است که سبب تاراج ثروت‌های ملی و فرهنگی و خروج عتیقه‌های گرانبها و گنجینه‌های باستانی - چه از نظر قدمت و چه به لحاظ ارزش هنری - از کشور شده است. قاچاق و فروش اشیاء گرانبهای باستانی و عتیقه‌های تپه مارلیک از موارد خطیر و حیرت‌آور می‌باشد. آثار ملی و گنجینه‌های نادر و حتی نایابی که می‌توانست چراغ‌افروز چشم اهل هنر و سرمایه ملی این سرزمین کهن باشد به ثمن بخش به یغما رفت و اکنون زب بزرگترین موزه‌های دنیاست. برای پی بردن به عمق فاجعه به گزارش سازمان جاسوسی امریکا توجه می‌کنیم: «به محض اینکه در تپه مارلیک اشیاء طلایی بسیار گرانقیمت کشف شد ملکه اشرف آن محل را خریداری کرد و محتویات آن تپه از آن به بعد به دست معامله‌گران هنری تمام دنیا رسید.»^۲

شهرام پهلوی نیا علاوه بر آن که به همراه دکتر مهدی مشایخ انحصار انبارهای ترخیص شده گمرکی را در اختیار خود گرفته بود در زمینه قاچاق عتیقه نیز فعالیت می‌کرد و بلکه گوی سبقت را از مادر خود ربوده بود:

شهرام فرزند ارشد اشرف، در بعضی موارد جای پای مادرش را دنبال کرده است. وی به طور سریع و نامطلوبی در تهران به عنوان یک معامله‌گر زرنگ شهرت دارد و حدود ۲۰ شرکت ترابری، کلاپهای شبانه، و تبلیغاتی هنری کشور، از جمله

۱. اسدالله علم: جلد اول، ص ۴۰۳.

۲. اسناد لانه جاسوسی، شماره ۲۰، ص ۴۵.

ساخته‌های دستی مارلیک، که یک موضوع باستانشناسی ماقبل تاریخ و حائز اهمیت زیاد است، بدنام‌ترین عمل حاکی از بی‌مسئولیتی وی می‌باشد.^۱

مواد مخدر

از دیگر مواردی که اشرف پهلوی به آن اشتهار دارد و در آن زمان همواره مورد توجه جراید داخلی و خارجی بوده است مشارکت وی در قاچاق مواد مخدر می‌باشد. انتشار اخبار مربوط به قاچاق مواد مخدر از سوی اشرف پهلوی در جراید اروپا، در پی دستگیری حسن قریشی در ۲۱ فوریه ۱۹۷۱ - ۱۳۴۹/۱۲/۲ - و لو رفتن امیر هوشنگ دولو قاجار، آجودان محمدرضا پهلوی و بزرگترین صادرکننده خاویار ایران به اروپا، ظاهراً به اتهام حمل ۳۵ گرم تریاک. البته در اینجا قصد ما پرداختن به کم و کیف این ماجرا نیست، اما آنچه حائز اهمیت و در خور توجه است رد پای است که از اشرف پهلوی در این پرونده بر جای مانده. این ماجرا از چنان اهمیتی برای دربار ایران برخوردار بوده است که برای مسکوت گذاردن و رفع و رجوع آن مبالغ هنگفتی رشوه به مقامات سوئیسی پرداخته‌اند.^۲ روزنامه تریبون دو ژنو در تاریخ ۱۱ آوریل ۱۹۷۲ در این زمینه می‌نویسد: «همه چیز دال بر این است که شاه ایران که قرار است برای افتتاح مجمع عمومی سازمان بین‌المللی کار به ژنو بیاید علاقه‌مند است که این جریان با سرعت ممکن خاتمه پذیرد.» لازم است یادآوری کنیم که نقش مهدی بوشهری در ماجرای مربوط به مواد مخدر و در جریان دستگیری عده‌ای از اطرافیان محمدرضا پهلوی تلاشی است برای موجه جلوه دادن همسرش اشرف پهلوی و دفاع از وجهه دربار ایران.

آنچه ظاهراً در اسناد امیر هوشنگ دولو قاجار بیش از حد غیر واقعی به نظر می‌رسد اتهام چند تن از سرشناس‌ترین افراد ایرانی است فقط برای حمل ۳۵ گرم تریاک. و آنچه اهمیت این موضوع را هر چه بیشتر نمایان می‌سازد تکاپوی محمدرضا پهلوی، امیر اسدالله علم و دیگر مقامات دیپلماتیک ایرانی است برای تبرئه متهمان در دادگاه سوئیس و تکذیب اخبار منتشر شده در خصوص این اتهامات و خاصه تلاش برای زدودن لکه ننگی که به سبب رابطه اشرف پهلوی با این ماجرا بر دامن دربار ایران نقش بسته است. در این زمینه به ارائه معدودی سند اکتفا کرده‌ایم.^۳ امید آنکه به زودی و در

۱. اسناد لانه جاسوسی. شماره ۷. ص ۵۰.

۲. سند شماره ۴۱ از مجموعه اسناد اشرف پهلوی.

۳. برای آگاهی بیشتر ر.ک: حسین کوچکیان فرد، «رسوایی در سوئیس، اسنادی از دربار شاهنشاهی درباره»

جای خود به تفصیل به کم و کیف این ماجرا پرداخته شود. درباره نقش اشرف پهلوی در قاچاق مواد مخدر علاوه بر اسناد موجود منابع فراوانی نیز وجود دارد که اینک به بخشی از آنها می‌پردازیم. حسین فردوست یکی از نزدیک‌ترین کسان به خانواده پهلوی می‌نویسد:

اشرف قاچاقچی بین‌المللی بود و به طور مسجل عضو مافیای امریکا است. و او به هر جا که می‌رفت در یکی از چمدانهایش هروئین حمل می‌کرد و کسی هم جرئت نمی‌کرد آن را بازرسی کند. این مسئله توسط بعضی مأمورین به من گزارش شد و من نیز به محمدرضا اطلاع دادم که اشرف چنین کاری می‌کند. محمدرضا دستور داد که به او بگویید این کار را نکند. همین! چه کسی بگوید، من؟ موقعی که خود محمدرضا نمی‌توانست یا نمی‌خواست جلوی اشرف را بگیرد، من که بودم و چگونه می‌توانستم؟!^۱

اسدالله علم ضمن اشاره به موضوع مواد مخدر و اشرف پهلوی تا اندازه‌ای از ماهیت «کی کلاب»^۲ نیز پرده برمی‌دارد. در این بخش از خاطرات علم آنچه بیش از همه قابل توجه است اظهار خوشنودی محمدرضا پهلوی از برخورد با دوستان اشرف پهلوی و مجازات آنها می‌باشد، و این بدان معنی است که اشرف به دلیل افراط و افر در این‌گونه امور حتی گاه واکنش محمدرضا پهلوی را نیز برمی‌انگیخته است:

... دوشنبه ۶ مهرماه ۱۹۷۰ شرفیابی. شهبانو وسط گفت‌وگوی ما زنگ زد و شاه به من گفت با تلفن دیگر صحبت‌هایشان را گوش بدهم. در مورد حمله دیشب پلیس به... «کی کلاب» توضیح می‌داد. این مکان به عنوان مرکز معاملات مواد مخدر مورد سوءظن پلیس قرار گرفته بود و آنها حق داشته‌اند درش را ببندند، خصوص که صاحب آن از نزدیکان والاحضرت اشرف است و بازار شایعات داغ بود. شاه از عمل پلیس اظهار خوشوقتی کرد و شخصاً رئیس شهربانی را به دلیل موضع گرفتن صحیح در قبال پاتوق یک مشت هیپی فاسد تشویق کرد.^۳

آنچه از فحواي اسناد لانه جاسوسی بر می‌آید پراکنده بودن اسناد مربوط به شرکت

→ قاچاق مواد مخدر»، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، سال اول، (شماره چهارم، زمستان ۱۳۷۶)، صص

۱۳۵-۲۰۸. ۱. حسین فردوست. جلد اول. صص ۲۳۷.

۲. ظاهراً محفلی خصوصی شبیه به کاباره یا دانسینگ بوده است واقع در خیابان دربند شمیران.

۳. اسدالله علم. جلد اول. صص ۲۶۸.

اشرف پهلوی است در حمل مواد مخدر: «یکی از مهم‌ترین جنبه‌های [های] فعالیت‌های اشرف شایعات مربوط به قاچاق مواد مخدر توسط اوست. البته شواهد موجود پراکنده است، لیکن مخالفین بسیاری این اتهام را وارد کرده و از آن به صورت یک اتهام مهم بر علیه پهلوی‌ها بهره‌برداری می‌کنند»^۱

نقش واسطه‌گری اشرف پهلوی در شرکتهای خصوصی

اشرف پهلوی که ثروت گذشته و میراث خانوادگی را به زعم خود در پای میزهای قمار از کف داده بود، بدیهی به نظر می‌رسید که برای کسب قدرت مالی تلاشی دوباره بیاغازد. وی در مورد دارایی حاصل از ارث می‌نویسد: «هنگامی که پدرم درگذشت معادل یک میلیون تومان ارث به من رسید. همچنین حدود یک میلیون متر مربع ملک و زمین در کنار دریای خزر، و نیز املاکی در گرگان و کرمانشاه، که بعدها قیمتش خیلی ترقی کرد»^۲

بعد از کودتای ۲۸ مرداد با افزایش تدریجی قدرت محمدرضا پهلوی عرصه برای جولان گسترده‌تر و حضور حریصانه اشرف پهلوی برای کسب ثروت و قدرت مهیا شد. نقش وی در شرکتهای خصوصی و واسطه‌گری از جمله فعالیت‌های وی برای کسب قدرت مالی محسوب می‌شود. خوشبختانه در میان اسناد حاضر سندی کوتاه، اما به غایت گویا، وجود دارد که بیان‌کننده چگونگی فعالیت وی در شرکتهای خصوصی است. اکنون بخشی از نامه اشرف پهلوی به یزدان‌پناه را درباره شرکت سودآور مرور می‌کنیم:

شرکت مریخ، یعنی سودآور، به من عریضه نوشته بود که وزارت دارایی آنها را خیلی اذیت می‌کند و از آنها ۴۰ میلیون تومان پول می‌خواهد. تصدیق کنید که پرداخت این وجه برای یک شرکتی [شرکت] غیرممکن است ... من در تمام آسمان یک چندرغازی دارم که آن را هم در این شرکت گذاشتم. البته فقط خودتان می‌دانید در این صورت این سرمایه هم از دست خواهد رفت.^۳

تهدید زیرکانه و در عین حال کودکانه اشرف پهلوی و لحن باج‌خواهانه او حکایت از تقاضای تخفیف ۴۰ میلیون تومانی دارد. مأموران اطلاعاتی امریکا در بخشی از گزارش خود درباره اشرف پهلوی می‌نویسند:

۲. اشرف پهلوی. همان. ص ۱۵۴.

۱. از ظهور تا سقوط. جلد اول. ص ۱۹.

۳. سند شماره ۴۴ از مجموعه اسناد اشرف پهلوی.

«علاق وی به تجارت و بازرگانی اغلب نامشروع به قوت خود باقی است. او همیشه از نفوذ خود برای اعطای قراردادهای دولتی به دوستانش استفاده کرده و آنها نیز در ازاء آن به او مبلغی پرداخت کرده‌اند.»^۱

احسان نراقی دربارهٔ دخالت اشرف پهلوی در عقد قراردادهای کلان دولتی و نقش واسطه‌گری وی به نقل از اکبر اعتماد، رئیس سازمان انرژی اتمی می‌نویسد:

موقعی که مورد خرید مراکز اتمی پیش آمد، ما خود را تحت فشار دائمی والا حضرت اشرف احساس کردیم که می‌خواست پیشنهاد یک گروه آلمانی را بپذیریم، در حالی که مبلغ این پیشنهاد یک میلیارد فرانک بیشتر از سایر مؤسسات خارجی بود. چند روز پیش از آن، آموزگار، که نخست‌وزیر بود، اعتماد را به دفتر خود احضار کرد و به او متذکر شده بود که نظر والا حضرت حتماً باید تأمین گردد.^۲

از بیشمار شرکت‌های خصوصی که حضور اشرف پهلوی را در آن می‌توان بررسی کرد شرکت «مهستان» است. احسان نراقی، که در آستانهٔ سال ۱۳۵۷ به دربار راه یافته بود تا مگر اکسیری از جامعه‌شناسی برای فرونشاندن انقلاب مردم تدارک ببیند، گفت‌وگوی خود با محمدرضا پهلوی را در تاریخ ۲۲ آبان ۱۳۵۷ چنین بازگو می‌کند:

از دو روز پیش روزنامه‌ها نوشته‌اند که شورای مدیریت یک شرکت ساختمانی با عنوان مهستان، تحت تعقیب قرار دارند. اما شما می‌دانید که والا حضرت سهامدار بخش اعظم این شرکت است. [شاه:] آن طوری که به من گفته‌اند او تمامی سهام خود را فروخته است. [احسان نراقی:] قربان این سهم را از کجا آورده است؟ اجازه دهید اطلاعاتی در مورد سوابق آن به شما بدهم. چند سال پیش، وزیر کشاورزی طی حکمی که برای شورای وزیران ارسال داشت، میلیون‌ها متر مربع از زمینهای شمال غربی تهران را به طور رایگان در اختیار بنیاد پهلوی قرار داد تا در آن آپارتمانهایی جهت خانواده‌های کم‌بضاعت ساخته شود. والا حضرت اشرف، در آن هنگام شرکتی ساختمانی تأسیس کرد که سرمایه اصلی آن از فروش مقداری از این زمینها که با نرخی ارزان از بنیاد خریداری و با قیمت روز فروخته شده بود، تأمین گردید. همین شرکت قراردادهایی با یک شرکت ایتالیایی منعقد کرد که ۳۰۰۰ مسکن

۱. از ظهور تا سقوط. جلد اول. ص ۱۰۹.

۲. احسان نراقی. از کاخ شاه تا زندان اوین. ترجمه سعید آذری. تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا،

بسیار لوکس بسازد و در همان حالی که هنوز به صورت نقشه هستند، به قیمت گزافی به فروش رساند. آن هم بدون آنکه در مقابل خریداران خود را متعهد احساس کند و امروز به دنبال شکایتهایی که خریداران کرده‌اند، شرکت، تحت تعقیب قانونی قرار گرفته است لذا، تا اینجا و الاحضرت با استفاده از زمینهایی که به طور نامشروع به دست آورده است، چند میلیونی منفعت کرده‌اند و این در حالی است که از تحویل این ساختمانها که هنوز بر روی نقشه باقی مانده‌اند خبری نیست ... و پس از اینکه با تردستی و تیرنگ زمینهایی را که قیمتشان در بازار آزاد بسیار زیاد بود به دست آوردند و پول خریداران آینده را نیز به جیبهای خود ریختند، موفق شدند اعتبارات خاص را هم از بانکهای مختلف دریافت دارند.^۱

همان‌گونه که در دوران قاجار القاب و بسیاری مشاغل و مناصب در ازای پول تفویض می‌شد در زمان پهلوی نیز اشرف پهلوی به فروختن شغل اشتهار فراوان دارد: در زمینه مالی کارهای عجیب اشرف دست کمی از مسائل جنسی او نداشت. او به هیچ چیز بیش از مرد و پول علاقه نداشت و در این راه تا بدانجا رفته بود که علناً سر برادرش (محمد رضا) کلاه می‌گذاشت. اشرف رسماً پول می‌گرفت و شغل می‌داد، از وکالت تا وزارت و سفارت و هیچ ابایی نداشت ... یکی از منابع مهم درآمد اشرف بلیتهای بخت‌آزمایی بود که ماهیانه ۴-۵ میلیون حق و حساب می‌گرفت.^۲

یکی دیگر از شرکتهایی که به اشرف پهلوی مربوط می‌شود شرکت BBC سوئیس است. اشرف پهلوی به شیوه معمول سفارشیهای درباره این شرکت به جمشید آموزگار، نخست‌وزیر، می‌کند که حکایت از فعالیتهای پنهانی و غیرقانونی وی دارد:

لابد شما از تقاضایی که شرکت BBC سوئیس از پیشگاه اعلیحضرت کرده و به شما رجوع فرمودند مستحضرید ولی شاید اطلاع نداشته باشید که این امر مربوط به شخص من است و شاید هم نباید به شما می‌گفتم ولی از آنجایی که شما را به خودم خیلی نزدیک میدانم و به صداقت شما اطمینان دارم خواستم خاطر نشان بشوم که بدانید و در پیشرفت این کار آنچه که ممکن است کمک کنید که فردا انجام گیرد. من آن روز درست با شما نتوانستم صحبت کنم ولی وضع زندگی من خیلی درهم و

۱. احسان نراقی. همان. صص ۱۰۰-۱۰۲.

۲. حسین فردوست؛ جلد اول. ص ۲۳۶.

خراب است و این امر ممکن است که باعث شود که یک کمی بار زندگی سبکتر شود. لذا خواهشمندم آنچه که می‌توانید برای پیشبرد این کار مضایقه نکنید. البته این موضوع را شما می‌دانید و من و خودتان. به همین دلیل خواهشمندم این نامه را بعد از خواندن فوراً پاره کنید.^۱

خصوصیات اخلاقی اشرف پهلوی

با مروری بر آنچه گفته شد تا اندازه‌ای با خصوصیات اخلاقی و روحیات اشرف پهلوی آشنا شدیم و شاید ضرورتی نداشته باشد به کنکاش بیشتر در این خصوص پردازیم. اما از طرفی چون اشرف پهلوی بر اریکه ریاست کمیته پیشرفت زنان تکیه زده بود و همواره خود را مدافع حقوق زنان قلمداد می‌کرد و آزادی زنان را بشارت می‌داد شناخت بیشتری درباره روحیات وی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. برای آشنایی با چهره واقعی اشرف پهلوی ابتدا نگاهی به خاطرات وی می‌افکنیم:

... نظر این بود که یکی از مواد قانون را که می‌گفت زن نمی‌تواند بدون رضایت شوهر شغلی را قبول کند، تغییر بدهیم. به خاطر دارم که در این زمینه یکی از وزرای حاضر در جلسه گفت: ببخشید قربان، فرض بفرمایید زن من تصمیم بگیرد شغلی انتخاب کند که با حیثیت من مغایرت داشته باشد. گفتم: منظورتان را نمی‌فهمم، مثالی برای من ذکر کنید. گفت: خوب، فرض کنید در کارخانه‌ای کاری پیدا کند یا در کاباره‌ای بخواهد آواز بخواند گفتم: می‌خواهید به من بگویید که منزلت و احترام این مشاغل از کاری که شما می‌کنید کمتر است؟^۲

درباره روحیات شخصی اشرف پهلوی سخن بسیار گفته شده است اما حیرت‌آورتر از همه گزارش سازمان جاسوسی امریکاست درباره وی: «در خاندان شاه بسیاری از خویشاوندان فاسد از نظر مالی وجود دارند که مهمترین آنها خواهر دوقلوی وی اشرف است که ماهیتاً طماع و دارای تمایلات جنون‌آمیز زنانه می‌باشد.»^۳

اگرچه اظهارات گزارشگران امریکایی اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد اما هرگاه به روابط پنهان و آشکار او با افراد مختلف پی ببریم اشرف پهلوی را واقعاً صدر مجلس عشرت خواهیم دانست. اشرف پهلوی در مورد معاشرت با مردان می‌گوید: «این احساس

۲. اشرف پهلوی. همان. ص ۲۷۹.

۱. سند شماره ۴۵ از مجموعه اسناد اشرف پهلوی.

۳. از ظهور تا سقوط. جلد اول. ص ۱۹.

غیرعادی به من دست داده بود که در حضور مردان بیشتر احساس راحت و آسایش می‌کنم. حقیقت آن است که من هنوز هم همین حالت را دارم و معاشرت با مردان را بر زنان ترجیح می‌دهم.^۱

حسین فردوست در بیان خاطراتش از مردان بسیاری به عنوان معشوقهای اشرف پهلوی نام می‌برد که حتی بعضی از آنها مانند پالانچیان به علت عدم تمکین در برابر وی به قتل رسیده‌اند:

زمانی که قائم مقام ساواک بودم، روزی نصیری مرا خواست. نصیری هیچ‌گاه مرا نمی‌خواست و ما در کارمان مستقل بودیم. به هر حال، بر خلاف روال معمول، روزی مرا خواست و گفت: فلانی، گرفتاری عجیبی پیدا کرده‌ام. جریان را پرسیدم. گفت اشرف تلفن زده و می‌گوید پالانچیان را باید دستگیر کنید! آخر چرا؟ البته نصیری پروایی نداشت و هر کس را می‌خواست دستگیر می‌کرد، ولی این قضیه فرق می‌کرد و نصیری از این وحشت داشت که مورد اعتراض محمدرضا واقع شود و لذا به من پناهنده شد. به هر روی اجازه محمدرضا کسب شد و پالانچیان توسط ساواک دستگیر و زندانی شد. علت دستگیری پالانچیان چه بود؟ بررسی کردم و معلوم شد که پالانچیان به عشق اشرف جواب منفی داده ...^۲

البته، چنانکه گفته شد، در این ماجرا پالانچیان به قتل رسید، بدین ترتیب که ساواک به دستور اشرف پهلوی در هواپیمای اختصاصی او نقص فنی ایجاد می‌کند و در نتیجه پالانچیان بر اثر سقوط هواپیما می‌میرد.^۳

پرویز راجی یکی دیگر از معشوقهای اشرف پهلوی بوده است که ماجرای آنها به دستور اشرف پهلوی از سوی ساواک پی‌گیری می‌شده. وی بدون آنکه ابایی از فاش شدن این ماجرا داشته باشد به روابط خود با پرویز راجی ادامه می‌داده به طوری که حتی محمدرضا پهلوی نیز در جریان این امر بوده است:

اشرف شدیداً عاشق پرویز شد و واقعاً او را کلافه کرد. به همین دلیل راجی در سن کم (شاید ۳۲-۳۵ سالگی) مشاغل حساس داشت و این اواخر سفیر ایران در انگلستان شد و تا زمان دولت بختیار در همین پست بود. در این دوران من قائم‌مقام ساواک بودم. روزی اشرف تلفن زد و گفت: برای یک ماه این پرویز راجی را تعقیب

۱. اشرف پهلوی، همان، ص ۵۳. ۲. حسین فردوست؛ جلد اول، صص ۲۳۴-۲۳۵.

۳. همان، صص ۲۳۵-۲۳۶.

می‌کنی، تلفنش را گوش می‌کنی، از زنهایی که با آنها رابطه دارد، مخصوصاً در حالتی که در کنارشان است، عکس برمی‌داری و همه را مرتباً به من می‌دهی. از این مسئله شدیداً جا خوردم. روشن بود که اگر دستور اشرف اجرا شود همه ساواک با خبر می‌شوند. شرحی به محمدرضا نوشتم و توضیح دادم که اگر این درخواست اجرا شود از این عملیات حدود ۲۰۰-۳۰۰ پرسنل مطلع می‌شوند، یا مستقیماً در جریان قرار می‌گیرند و یا گزارشات را مطالعه می‌کنند. توضیح کاملی از همه ابعاد مسئله برای محمدرضا نوشتم. گزارش به رؤیت محمدرضا رسید و به نزد من بازگشت. با کمال حیرت دیدم در زیر آن نوشته است: انجام دهید! محمدرضا نه تنها اهمیت نمی‌داد که خواهرش چه می‌کند بلکه اهمیت نمی‌داد که تمام کشور نیز از روابط خواهرش مطلع شوند. به هر حال دستور اشرف اجرا شد. ... عجیب تر اینکه اشرف پهلوی با وجودی که می‌دانست تلفنها کنترل می‌شود به مکالمات خود با پرویز راجی ادامه می‌داد و هیچ اهمیتی نمی‌داد که پرسنل ساواک مطلع می‌شوند. ... این اواخر که راجی با فشار اشرف سفیر ایران در لندن شد، ایشان هفته‌ای یک بار به لندن می‌رفت و هدفش هم صرفاً دیدن راجی بود. راجی نیز در خاطراتش گاه اشاراتی دارد که به ژوان لپن، محلی که ویلای اشرف در جنوب فراتسه در آن واقع است، رفته و البته به بقیه ماجرا اشاره نمی‌کند. و یا می‌نویسد که به اتفاق اشرف به رامسر رفته. کسی که مطلع نباشد تصور می‌کند که این دیدارها عادی است، ولی بنده که مطلعم می‌دانم که چه خبر است.^۱

مهدی بوشهری که خود «بی‌بندوباری» را به اشرف پهلوی آموخته بود^۲ حتماً از رابطه همسرش با مردان متعدد اطلاع داشته است: «در دورانی که همسر بوشهری بود مدتی عاشق دکتر غلامحسین جهانشاهی شد، که در کابینه علم وزیر بازرگانی بود.»^۳ ماجرای ازدواج رئیس سازمان برنامه با آذر صنایع و نقش اشرف پهلوی در این وصلت یکی دیگر از مواردی است که حکایت از چگونگی روحیات و خصوصیات اشرف پهلوی دارد:

اشرف که می‌خواست از پول سازمان برنامه حداکثر استفاده را برد، با یک زن زیبا به نام آذر طرح دوستی ریخت که شوهرش در سازمان برنامه یک کارمند جوان و

۱. همان، صص ۲۳۳-۲۳۴. ۲. اشرف پهلوی. همان، ص ۲۷۳.

۳. حسین فردوست؛ جلد اول، ص ۲۳۲.

عادی بود. آذر در عین جوانی و زیبایی دکتر دندانپزشک بود. در یک میهمانی که اشرف در هتل دربند تشکیل داده بود، من نیز دعوت شده بودم. زمانی که میهمانان مشغول صرف مشروب بودند، اشرف، من و آذر و ابتهاج را به یک اتاق برد و در حضور آذر و ابتهاج به من گفت:

زن به این زیبایی دیده بودی؟ دکترس هم هست! من گفتم: اگر دکترس هم نبود، زنی به این زیبایی ندیده بودم! گفت: حالا این ابتهاج برای این زن ناز می‌کند. نظرم این است که ترتیب وصلتشان را بدهم! گفتم: ابتهاج زن دارد! گفت: آن که هیچ! گفتم: آذر هم شوهر دارد! گفت: این هم که هیچ! - زن ابتهاج و شوهر آذر در سالن جزو مدعوین بودند - ...^۱

اکنون به سند محرمانه‌ای از وزارت امور خارجه امریکا توجه می‌کنیم. این سند مورخ ۲۷ فروردین ۱۳۵۸ است، زمانی که خانواده پهلوی در گوشه و کنار دنیا سرگردان بودند و امریکاییها از پذیرش آنها امتناع می‌کردند:

ما شنیده‌ایم که خانواده شاه پاسپورت مراکشی به دست آورده‌اند. ما فکر نمی‌کنیم تهیه مدارکی که ورود به دیگر کشورها را تسهیل کند از وظایف ما باشد. و در این میان مسئله اشرف احتمالاً از خود شاه هم بدتر است. احتمالاً گذشته نفرت آور اشرف او را از دریافت ویزای امریکایی محروم می‌کند.^۲

در زمینه خصوصیات اخلاقی اشرف پهلوی به همین حد بسنده می‌کنیم و گفتار را با نقل قولی از محمدرضا پهلوی درباره خواهرش به پایان می‌بریم: «این خواهر دوقلوی من در تمام عمرم خاری در چشم من بوده است.»^۳

۱. همان. ص ۲۳۷-۲۳۸. ۲. اسناد لانه جاسوسی، شماره ۷، ص ۱۴۹.

۳. اسدالله علم؛ جلد دوم. ص ۸۴۹.

www.KetabFarsi.com

اسناد

www.KetabFarsi.com

فهرست اسناد اشرف پهلوی

۱. نامه رضا پهلوی به اشرف پهلوی.
۲. نامه احمد شفیق به رضا پهلوی.
۳. نامه شهرداری به دربار در خصوص هزینه ساختمان کاخ اشرف پهلوی در سال ۱۳۱۷.
- ۴ و ۵. اسناد هزینه ضیافت اشرف پهلوی در سال ۱۳۲۶.
- ۶ و ۷. مکاتبات بانک کشاورزی با نخست‌وزیر و وزیر دربار درباره بدهی اشرف پهلوی.
- ۸ و ۹. نامه‌های اشرف پهلوی به علی ایزدی در آستانه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.
- ۱۰ - ۱۵. نامه‌های اشرف پهلوی - از تبعید - به امیراسدالله علم در خصوص: تبریک کودتای ۲۸ مرداد، تقاضای مقرر ماهیانه، تهدید مبنی بر بازگشت به ایران و ...
۱۶. نامه محمدرضا پهلوی به اشرف پهلوی بعد از وقوع کودتای ۲۸ مرداد.
۱۷. نامه اشرف پهلوی به فضل‌الله زاهدی.
۱۸. نامه اشرف پهلوی به حسین علاء.
- ۱۹ - ۳۴. اسناد هزینه مسافرت‌های اشرف پهلوی.
- ۳۵ - ۴۳. اسناد مواد مخدر.
۴۴. نامه اشرف پهلوی به مرتضی یزدان پناه.
۴۵. نامه اشرف پهلوی به جمشید آموزگار - نخست‌وزیر -

www.KetabFarsi.com

دختر عزیزم

نامه ۱۵ بهمن شما رسید و مزده سلامتی شما موجبات خوشوقتی مرا فراهم آورد به طوری که البته تا به حال مسبوق شده‌اید اگر پاسخ تلگرافات شما داده نمی‌شده به این علت بوده که عین تلگرافات به وسیله پست برای من فرستاده می‌شده و اتفاقاً چون در موقع [سالروز] تولد من تلگرافی از شما و شمس دیده نشده بود تقریباً اسباب تعجب شده بود اما ضمن نامه شما در لف پاکت دیگری عین تلگرافات تبریک شما و شمس به پیوست دریافت گردید که عین آنها را در لف برای شما می‌فرستم تا مزید بر اطلاع شما شده و بدانید که تا به حال مضایقه در فرستادن پاسخ تلگراف شما نشده و نخواهد شد و گله شما باید از جریان فعلی تلگرافات باشد که معمولاً سومین دفعه است که به وسیله پست به دست من رسیده است در این صورت از این حیث نباید نگرانی داشته باشید اما آنچه که راجع به پاسخ دو نامه قبلی شما باقی می‌ماند باید خودتان بدانید که علاقه من به شما از خود شما بیشتر بوده و مایلم کارهایی که مربوط به شما یا اصولاً فرزندانم می‌باشد از روی منتهای خیر و صلاح انجام شود و به همین علت اتخاذ تصمیم در خصوص دو نامه شما که مربوط به ازدواج خودتان با احمد شفیق بود، بدون مراجعه و کسب نظر به برادر و مادر مهربانتان تا حدی مشکل به نظر می‌رسید ولی بعد از تلگراف با مادرتان و مراجعه به شاه وقتی که بر من مسلم گردید که از روی دلایلی اقدام به این امر، موافق مصلحت است آن را تصویب کرده و موضوع حل شد و چون قصد شما هم از فرستادن آن دو نامه جلب رضایت و نظر من بود و از این راه تأمین شده بود دیگر فرستادن پاسخ را غیر لازم تشخیص دادم و حال هم که تقدیر این طور بوده و خود شما و

شاه کاملاً به صحت این عمل اطمینان و اعتماد دارید من هم که جز سعادت شما چیز دیگری را نمی‌خواهم خوشحال بوده، البته مبارک است و امیدوارم این بار زندگانی شما روی پایه محکم‌تری قرار گرفته و برای همیشه خوشوقت و سعادت‌مند باشید.

گله‌ای که شما از کسالت خود کرده بودید به طوری که شما را مجبور به رفتن فلسطین نموده بود خیلی موجب تأسف من گردید اما در عین اینکه خوشحالم که تا حدی رفع شده اما از شما می‌خواهم که به این حد قناعت ننموده و برای برطرف [شدن] ضعفی که بر شما مستولی شده است از هیچ‌گونه اقدام برای تعقیب معالجه خودداری نکنید و کوشش نمایید که انحراف مزاج به حال عادی برگردد.

در خاتمه باز شما را مطمئن می‌سازم که من آرزوی دیگری جز سعادت شما ندارم و امیدوارم بتوانید به اتفاق احمد شفیق، شوهرتان به زندگانی طولانی پر از خوشی و سلامت ادامه بدهید، شهرام عزیز را هزار بار می‌بوسم.

ارضا پهلوی |

[۳- ۳۲۱۳- ۱۱۲- الف]

۲

ژوهانسبورگ

اعلیحضرت پهلوی

فوق‌العاده مفتخر است که با اجازه آن اعلیحضرت در چهارم ماه جاری با والاحضرت اشرف ازدواج نموده از آن اعلیحضرت استدعا دارد مرحمتاً مراتب حق شناسی و جان‌نثاری ابدی مرا قبول فرمایند. خاطر مبارک را مطمئن می‌سازد که سعادت والاحضرت را تأمین خواهد نمود و وابسته به تاج و تخت کشوری که افتخار تبعیت آن را پیدا خواهد نمود خواهد بود. با کمال احترام دستهای آن اعلیحضرت را می‌بوسد.

احمد شفیق

[۱- ۳۲۲۲- ۱۱۲- الف]

۳

شهرداری تهران

اداره : ساختمان

مورخ : ۱۳۱۷/۷/۴

شماره : ۵۲۵۸/س ۹۷

ضمیمه : صورت و اسناد

اداره حسابداری دربار شاهنشاهی

محترماً تصدیق می‌دهد، طبق ۲۵ فقره اسناد هزینه تکمیل تقدیمی مخارج ساختمان کاخ
والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی در دو ماهه تیر و مرداد ۱۳۱۷ بالغ بر ۸۶۵۳۶/۳۵
ریال گردیده که با عطف به اعتبارات اعطایی بدین منظور و هزینه ماههای قبل مطابق
ترازنامه آتی است :

کلیه اعتبارات اعطائی تا آخر مرداد ۱۳۱۷ ۴۱۰۰۰۰ ریال

هزینه دو ماهه تیر و مرداد ۱۳۱۷ ۸۶۵۳۶/۳۵ ریال

هزینه ماههای قبل ۱۲۲۳۰۲/۳۰ ریال

۲۰۱۱۶۱/۳۵

مساعده پرداخت شده به کارگران مقاطعه کار ۱۴۹۶۷۴

۷۱۴۸۷/۳۵

موجودی وجه نقد

ریال ۴۱۰۰۰۰

جمع کل

متمنی است مقرر فرمایید وصول اسناد هزینه تقدیمی به شهرداری اعلام گردد.

کفیل شهرداری

[۹۸ - ۹۹۶ - ۵]



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

اداره اسناد

دایره اسناد

تاریخ: ۳ مرداد ۱۳۱۷
شماره: ۹۷ / ضمیمه شماره ۱
۵۲۵۸ / س

درنده و بدری در پارساها

محرر: تصحیح شد
طبق ۲۵ قوه پند و پرورنده تمدن قدیمی تاریخ مشن کاغذ

داد حضرت شاه بهشت شرف پهلوی در صراط پند و پرورنده تاریخ ۱۳۱۷
۱۹۵۳۶/۳۵

گنبد و عطف به عتبات عظمیٰ بنظر و پرورنده ما بهی قبر سلطان روزنامه

کعبه عتبات عظمیٰ تا فروردین ۱۳۱۷
۱۰۰۰۰ / س

پرورنده نامه تر و مردود ۱۳۱۷
۱۹۵۳۶/۳۵

پرورنده ما بهی قبر
۱۲۳۳۰۲/۳۰

ساده برنده کعبه عظمیٰ ۱۴۹۹۷۴
موجودی
۲۰۱۱۹۱/۳۵
۷۱۴۸۷/۳۵
در نقد

۴۱۰۰۰۰

مجموع

تمیزیت سوره فیه وصول پند و پرورنده تمدن قدیمی شود دردی! عدم گردد

سند پهلوی

۱۳۱۷ / س
۹۸-۹۹۶-۲

۴

دربار شاهنشاهی

آقای شکرایی

پنجشنبه شب در حدود نود نفر مهمان والا حضرت اشرف به شواره [شب نشینی] دعوت دارند. دستور داده شد شام و مشروبات لازم مطابق صورت تهیه شود. چون اعلیحضرت همایونی هم مفتخر خواهند فرمود البته شام و همه چیز باید خوب باشد.

۱۳۲۶/۱۲/۱۱

محمود جم

[۹۹-۱-۹۹۷-۵]

۵

دربار شاهنشاهی

شماره: ۴۳۹۵

تاریخ: ۱۳۲۶/۱۲/۲۱

وزارت دربار شاهنشاهی

عطف به دستور مقام وزارت مبنی بر تهیه احتیاجات پذیرائی نود نفر در پنجشنبه شب ۲۶/۱۲/۱۲ در کاخ والا حضرت اشرف پهلوی اینک صورت هزینه مربوطه که وسیله نظارتخانه انجام شده به شرح زیر است.

هزینه شام ۱۰۷۲۸/۵۰ ریال

بهای مشروب به شرح زیر:

ریال	۶۰۰۰	ویسکی ۱۰ بטר
ریال	۳۱۵	کنیاک فرنگی ۷ بטר
ریال	۷۵۰	شراب سفید و قرمز ۳۰ بטר
ریال	۴۰۰	سودا ۸۰ بטר
ریال	۳۵۰	سینالکو ۵۰ بטר
ریال	۱۶۰۰	آبجو امریکایی ۸۰ بטר
ریال	۷۷۰	لامار ۷۰ بטר
ریال	۵۵۰	ورموت ایرانی ۵ بטר
ریال	۱۲۰	ودکا ۳ بטר

ریال ۱۳۶۲۰

ریال ۲۴۳۴۸/۵۰

برگشت می‌شود بهای ۲ بטר کنیاک و ۳ بטר ویسکی و چند بטר ورموت و شراب، لامار و
آبجو

۳۴۰۰

۲۰۹۴۸/۵۰

بالغ بر ۲۰۹۴۸/۵۰ ریال می‌باشد. مراتب برای استحضار معروض است.

[۹۷-۱-۹۹۷-د]

۶

بانک کشاورزی و پیشه و هنر ایران

تاریخ: ۱۳۳۱/۱۰/۹

شماره: ۲۳۳۳۷/۹۶۱۲

محرمانه - مستقیم

جناب آقای نخست‌وزیر

محترماً معروض می‌دارد: در مورد وصول مالیات بانک از والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی اقدامات لازم به عمل آمد و با جناب آقای وزیر دربار و جناب آقای [امیراسدالله] علم سرپرست املاک موقوفه پهلوی مذاکره و قرار شد اراضی اطراف کاخ به فروش برسد و از این محل مالیات بانک تسویه گردد. ضمناً چون وکالتنامه برای انجام معامله در دست نبود جناب آقای علم اظهار داشتند که برای اخذ وکالت و انجام معامله قریباً اقدام لازم به عمل خواهند آورد.

بانک کشاورزی و پیشه و هنر ایران

محمد بیات

[۲-۳۵۲-۵-م]

۷

بانک کشاورزی و پیشه و هنر ایران

جناب آقای [حسین] علاء، وزیر محترم دربار شاهنشاهی

پیرو مذاکرات حضوری رئیس بانک و تصمیم متخذه مبنی بر فروش اراضی اطراف کاخ و تصفیه بدهی والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی، نظر به اینکه بانک مجبور است در آخر هر هفته نتیجه اقدامات خود را در مورد وصول مطالبات به عرض



شماره ۳۳۶
تاریخ ۲۶/۱۲/۲۶
پوست

وزارت دربار شاهنشاهی

مدام به دستور مقام وزارت محض بر شنبه ۱۰ تیر ۱۳۰۶ ات پذیرا شد نود نفر در پنجشنبه شب ۲۶/۱۲/۲۶ در کاخ و الا - حضرتان شرف پهلوی و ایستادگاری در صورت هزینه مربوطه که همیشه - وزارتخانه نام مذکور به شرح زیر:

هزینه نام	ریال
بهای مشروبات پذیرا	۱۰۷۲۸۰۰
وسک ۱۰ بخر	۶۰۰۰
کنیا ۲ قرنگی ۲ بخر	۳۱۵۰
شراب سفید و قرمز ۳۰ بخر	۷۵۰
سونا ۸۰ بخر	۴۰۰
سینالکو ۵ بخر	۳۵۰
آب و آمپولگاش ۸۰ بخر	۱۶۰۰
لامار ۷۰ بخر	۷۷۰
ورمونت پرائس ۵ بخر	۵۵۰
ویکا ۳ بخر	۱۲۰
جمع	۱۳۶۲۰
ریال	۲۴۲۴۸۰۰

براشنمشون بهما داد آب رکتیا و ۳ بخر
وسکی و ... در صورت و ... لامار
باید و

۳۴۰۰
۲۴۲۴۸۰۰

باله ۲۰۹۴۸۰۰ ریال میباشد برات بر او استه دارم و است -

۷-۱-۱۷-۱-۱۷-۶

جناب آقای نخست‌وزیر برساند خواهشمند است برای رفع مسئولیت از کارکنان بانک مقرر فرمایید در تسویه حساب اقدام سریعتری معمول و نتیجه را هر چه زودتر اعلام فرمایند.

بانک کشاورزی و پیشه و هنر ایران

رونوشت عطف به نامه محرمانه شماره ۲۵۷۸/۴ مورخ ۱۳۳۱/۱۰/۲۲ جهت استحضار جناب [جمال] آقای ملکوتی معاون نخست‌وزیر ارسال و متذکر می‌شود که پس از حصول نتیجه قطعی مراتب مجدداً برای استحضار جناب آقای نخست‌وزیر معروض خواهد شد.

بانک کشاورزی و پیشه و هنر ایران

[۱ - ۳۵۲ - ۵ - م]

۸

۱۴ ژانویه [۱۹۵۳، ۲۴ دیمه ۱۳۳۱]

اعلی‌ایزدی^۱ عزیزم

کاغذت که مشعر بر مژده سلامتی همگی فامیل و خودت بود رسید و خیلی خوشحال شدم. اگر از حال من بخواهی بحمدالله بد نیستم ولی ناراحتی فکری زیاد دارم که امیدوارم با عنایت پروردگار مرتفع و ابرهای سیاهی که آسمان شفاف زندگی ما را تیره کرده برطرف و روزی برسد که باز همگی دور هم جمع [شویم] و زندگانی قبلی را از سر بگیریم. من چند کاغذ به مادر عزیزم نوشته‌ام و تعجب می‌کنم که هر دفعه تو می‌نویسی که چرا به ایشان کاغذ نمی‌نویسم. در هر حال سعی می‌کنم که بیشتر بنویسم. راجع به کارهای من با [کلمه لاتین؛ خوانده نشد]. اولاً سعی کن که واقعاً این دو عمل را کرده یعنی زمین گلف و سینما را به اسم من بکن لاقلاً یک کاغذ محکمی در دست داشته باشیم. و خودت بیشتر تحقیق کرده و سر در بیاور که واقعاً راست است یا نه. من که شنیدم زمینی را که خریده خیلی مفت می‌دهد. تو می‌توانی تحقیق کنی و با او قرار بگذاری که این دو قسمت به اسم من باید بشود و در منافع شریک باشیم یعنی نصف او نصف من والا هر دو قسمت را فروخته و پول آن را به اسم من در بانک Irving Trust Company بگذار، تا

۱. علی ایزدی از همراهان تاج‌الملوک در تبعید به امریکا بود.